

موضوع: مسائل مستحدثه / تغییر جنسیت

جلسه سوم، ۲ دی ۱۳۹۸

استاد سید احمد خاتمی

خلاصه درس آنچه لازم بود قبل از ورود به بحث بیان شود تبیین موضوع در تغییر جنسیت است. موضوع در تغییر جنسیت اینکه مرد یا زن یا جراحی جسم و جان زنانه پیدا کند. اما اینکه عضوی را قطع یا به وصل کنند تغییر جنسیت نیست. بلکه تغییر جنسیت، عمل تغییر هورمونی است. موضوع در تغییر جنسیت حتما هوس و میل نفسانی نیست بلکه مثلا مرد با گرایش زنانه دارد خجالت می کشد در جمع مردانه باشد و یا هوس ناک باشد مثلا زن بودن و گرایشات زنانه مثلا مفعول بودن نزد او احسن از فاعل بودن است. به عبارت دیگر در تغییر جنسیت فرق نمی کند خواه سالم باشد یا مشکل روانی داشته باشد حکم تغییر جنسیت شامل آن می شود. بنابراین با برفض پیشرفت پزشکی افراد سالم اگر بخواهند می توانند، تغییر جنسیت بکنند. امام راحل قائل به جواز تغییر جنسیت شدند. البته فروعی ارد و باید توجه داشت که تغییر جنسیت نباید همراه حرامی باشد. مانند لمس و نظر. در غیر این صورت حرام خواهد بود. امام راحل به روایت «الناس مسلطون علی اموالهم و انفسهم» استدلال کردند. گفتیم، این روایت اولاً «انفسهم» ندارد. وثانیا این روایت مرسل است و اگر علماء به روایت کرده اند به بخش اموالهم عمل کرده اند. و اگر به عنوان قاعده و سیره عقلائیه باشد در صورتی که به امضاء معصوم رسیده باشد در حالی که مساله مستحدث است. دلیل دیگر امام راحل اصالة الحل و البرائة بود. گفتیم این درجایی است که دلیل لفظی بر منع نداشته باشیم و به عبارت دیگر الاصل دلیل حیث لا دلیل. باید ادله محقق خویی و شاگردان ایشان مانند آیت الله وحید خراسانی و آیت الله جوادی تبریزی را بررسی کنیم که چه ادله دارد اگر ادله آنها بر مسند بنشینند نمی توان به اصالیظ الحل تمسک کرد. از ادله آنها «فلیغیرن خلق الله» است. تغییر خلقت الهی را قرآن کار شیطان می داند و به آن وعده جهنم داده شده است. ولی گفتیم که مقصود تغییر فطرت انسان بویژه فطرت خدا جویی است. روایات نیز موید همین مطلب است. در تفسیر عیاشی زیل آیه ۱۱۹ سوره نساء امام باقر ع فرمود: و المراد من دین الله فاقم وجهک للدين حنیفا فطرة الله التي فطر الناس علیها. فطرت بر وزن خلقت است. به خصوصیات انسانی انسان فطرت گفته می شود. چون انسان دارای دو خصوصیت است بخشی خصوصیات غریزی و حیوانی انسان هستند این خصوصیات حیوانات با انسان شریک هستند مانند گرسنه و تشنه شدن. خصوصیت دیگر خصوصیات مختص به انسان است بخشی از این خصوصیات مانند فطرت خدا جویی در بررسی اعمال زندگی بشر جلو های خدا جویی

مشاهده می شود، و نیز حس کنجکاو، احسان کردن یعنی مردم با هر مذهبی که باشد انسان های نیکو کار را دوست دارند این برخاسته از درون انسان است. و نیز مانند حس زیبایی و علاقه زن به زیورالات. فرهنگ متجاوز و منحط غرب قصد تغییر چنین چیزی را دارد و وعده عذاب به آن داده شده است لکن این ربطی به تغییر جنسیت و تغییر خلقت ظاهری ندارد.

اگر گفته شود یک مصداق «فلیغیرن خلق الله» تغییر فطرت است. می گوئیم، اولاً امام علیه السلام مصداق دیگری را فرموده اند. ثانیاً سلمنا تغییر فطرت یک مصداق آن است لکن در غیر آن شک می کنیم موجب اجمال دلیل می شود و حداقل شک می کنیم این مصداق تنها است یا نیست آیه مجمل خواهد شد. بنابراین آیه نمی تواند دلیل برای منع باشد. به روایت تفسیر عیاشی نمی توان تمسک کرد که آیه مختص به تغییر فطرت است چون روایات تفسیر عیاشی مرسل هستند. البته تفسیر عیاشی مسند بوده، شخصی اسناد آن را ساقط کرده است. چون متن اصلی گم شده است. و این خلاصه شده تفسیر تا سوره اسراء است و بیشتر از آن در دست نیست. درباره جناب عیاشی سمرقندی اینکه معاصر مرحوم کلینی بوده است سنی بوده و شیعه شده است زندگی خود را وقف تشیع کرده است. از نکات دیگر اینکه نقل عیاشی مقدم بر نقل کلینی است چون امتن است البته با فرض صحت سند روایت نقل شده.

دلیل دوم: ادله حرمت تشبه الرجال بالنساء و تشبه النساء بالرجال است. برای روشن شدن اینکه مراد کدام تشبه حرام است می گوئیم، تشبه اقسامی دارد.

قسم اول: تشبه طبیعی است یعنی صدای مرد شبیه صدای زن است یا برعکس صدای زن شبیه صدای مردان است این تکوینی و حرام نیست و لازم نیست هم آن را جراحی کند.

قسم دوم: تشبه به قصد تشبه نیست. مثلاً هوا سرد باشد و زن برای گرم شدن لباس مرد را بپوشد یا برای وضو گرفتن مرد نعلین زن را بپوشد این حرام نیست و روایات از این دو قسم منصرف است.

قسم سوم: آنچه قدر متیقن لعن در تشبه، اینکه مرد یا زنی به قصد تشبه خود مانند زنان یا مردان دربیآورد. خواه در تئاتر یا تعزیه باشد. مشهور فقهاء جایز نمی دانند. و ربط آن به بحث به بیان مستدل این است؛ مردی که عمل می کند و با ویژگی های زنانه زن می شود و کذالک مرد با عمل جراحی با ویژگی های زنانه زن بشود. مرد یا زنی است که به شکل جنس دیگر شده است. به عبارت دیگر جوهر جنس تغییر نکرده بلکه شکل تغییر کرده باشد و تشبه محقق شده است. و مورد لعن واقع شده است. بنابراین تغییر جنسیت حرام است. محقق خوبی و

من تبعه می گویند جوهر آن با عمل جراحی تغییر نکرده است بلکه شکل او تغییر کرده است و این تشبه است.

استاد: ادله حرمت تشبه هفت هشت روایت است که همه آنها ضعیف است. استناد به روایات ضعیف با عمل اصحاب جبران می شود صاحب جواهر ضعیف سند را با عمل اصحاب جبران کرده و به آنها در حرمت تشبه عمل کرده است.